



بسمه تعالی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

نمایندگی قم

سومین همایش علمی

سیره امام رضا(ع)؛ آموزه ها و کارکردها

زمان:

یکشنبه ۹۸/۴/۲۳ ساعت ۸:۳۰ صبح

مکان:

قم - موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مهدی شریعتی تبار

عضو محترم هیات مدیره بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و

مدیر عامل سابق بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين. عرض ارادت و عرض تبریک خدمت حضار محترم، مهمانان و فضیلاى عالی قدر دارم. مناسبت‌های بسیار فرخنده این ایام و بویژه امروز را که روز میلاد مسرور و فرخنده مولایمان، امام رئوف، عالم آل الرسول، حضرت ثامن الائمه، علی ابن موسی الرضا(ع) و روز پایانی دهه پر رمز و راز و پر مفهوم کرامت را که با میلاد کریمه اهل البیت حضرت فاطمه معصومه(س) آغاز شده و سایر مناسبت‌ها و امروز با این مناسب فرخنده پایان می‌پذیرد. به مناسبت اینکه محفل و جلسه و همایش علمی و دانشی و تخصصی است، خیلی کوتاه و مختصر عرض ارادتم را خدمت شما با حدیث مشهور رضوی تقدیم می‌کنم. حدیث معروف و مشهوری است که همه استحضر دارید. امام در حدیثی دعا می‌فرماید: رحم الله عبدا احیا امرنا. و دعای حضرت حتماً مستجاب است. ان شاء الله همه ما شرکت کنندگان در محفل مورد استجابت دعای آقا قرار بگیریم و رحمت خداوند و بنده‌ای

که امر را احیا کند، ابوالصلت هروی از آقا سوال می‌کند که آقا فکیف یحیی امرک؟ چه طور بنده امر شما را احیا کند تا مشمول دعای شما شود؟ فرمودند: علوم و دانش ما را به خوبی یاد بگیرد و به خوبی به مردم تعلیم و آموزش بدهد. امام در پایان حدیث سخنی دارد که عرض می‌کنم این اتمام و حجت است. امام رضا(ع) حجت را تمام کرده اند. با قطعیت می‌فرمایند، اگر مردم، بشریت، نه فقط شیعیان و مسلمانان، به مقتضای عقل و فطرتشان اگر با زیبایی‌های کلام ما آشنا بشوند، حتماً از ما طبیعت می‌کنند. این سخنی است که حقیقتی را بیان می‌کند و اتمام حجت می‌کند.

ان شاءالله که این نشست‌های علمی، این مراکز علمی که یکی از این مراکز بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی است، در همین مسیر و راستا گام برمی‌دارد. عرض می‌کنم که کرامت واقعی امر در گرو این تعلق علوم و معارف رضوی، معارف اهل البیت که علم مفید و نافع در اختیار این خانواده هستند. به شرق و غرب عالم بروید، دانش مفید و سودمند برای بشریت نمی‌یابید، مگر چیزی که از این سرچشمه زلال معارف ما اهل بیت که معادن علم و حکمت الهی هستیم، خارج می‌شود. امام رضا(ع) و همه ائمه کرامت دارند، هم به معنای احسان و لطف که عادت امام رضا(ع) است. وقتی کسی که مشکل دارد و از ما تقاضای کمک می‌کند، از شکاف در دستش را می‌آورد. آن وقت که طرف خارج می‌شود، راوی می‌گوید سوال کردم که چرا اینگونه به او کمک کردی و رو در رو به او کمک نکردی؟ خواستم عزت و کرامت این مسلمان حفظ شود. رودرو کمک نکنم که ظلت سوال را در چهره او نبینم. وقتی کسی مهمان امام رضا(ع) می‌شود و پاسی از شب می‌گذرد، چراغی که آن فضا را روشن کرده، دچار مشکل می‌شود، مهمان می‌آید که چراغ را تأمین کند، امام مانع می‌شوند و خودشان اقدام می‌کند و می‌فرمایند ما خانواده‌ای هستیم که مهمان مان را به کار نمی‌گیریم.

کرامت به معنای احسان، انفاق، با حفظ کرامت انسان ها، کرامت واقعی در برخورداری انسان، یک جامعه از علم و معارف حقیقی است. ملتی که علم نداشته باشد، نمی‌تواند به کرامت واقعی خودش واقف بشود. نمی‌تواند زمینه تأمین کرامت خودش را فراهم کند. لذا در این زمینه باید تلاش کنیم. زیارت جامعه کبیره، از خدا می‌خواهیم، از امام می‌خواهیم، به ما توفیق بدهد که حامل علوم و معارف اهل بیت باشیم. حتماً شایسته و بایسته هستیم.

ما در همه حوزه ها، بخصوص در حوزه کرامت، خودمان و جامعه مان را آموزه‌های کرامت بخش رضوی، با معارف عزت بخش امام رضا(ع) آماده و مجهز و مسلح کنیم. برای این دنیایی که سلطه گران زیادی هستند که می‌خواهند کرامت و عزت ما و جامعه ما را مخدوش کنند. در پرتو ولایت مداری به معنای واقعی و در پرتو آشنایی با این معارف و این آموزه‌ها و سنت و سیره رضوی و کارکردهای این سیره در زندگی و سبک زندگی انسان معاصر در پرتو این معارف می‌توانیم از کرامت زندگی خودمان در برابر نظام سلطه و مستکبرینی که دنبال ضربه زدن به کرامت ما هستند، پاسداری و دفاع کنیم. ان شاءالله که این نشست هم در این راستا باشد.

همانطور که فرمودند این بنیاد در سال ۱۳۶۳ به همت آقای آیت الله طبسی(ره) تأسیس شده است. ایشان نگاهشان این بوده که است که از کنار حوزه علمیه، دانشگاه علوم رضوی هم که در همان سال ۱۳۶۳ تأسیس شد، مرکز پژوهشی باشد که از مراکز علمی، حوزوی و دانشگاهی بیایند و معارف اسلامی، معارف اهل البیت به خصوص فرهنگ رضوی را تحقیق و پژوهش کنند. میراث‌های فرهنگی آستان قدس رضوی، زائران، جامعه اسلامی، نظام اسلامی، جامعه بشری را بر اساس اولویت‌ها کار کنند و ترویج کنند.

الحمد لله این مرکز تلاش‌های مؤثر و موفقی داشته است. ان شاءالله تمام کسانی که در این زمینه کار می‌کنند، مشمول این دعای مستجاب حضرت قرار بگیریم.

به محضر مبارک مولایمان علی ابن موسی الرضا(ع) و به روح مکرم و ملکوتی خواهر مکرمه شان حضرت فاطمه معصومه(س) صلواتی تقدیم می‌کنیم.

میزگرد اول: سیره مدیریتی امام رضا(ع)

محورهای میزگرد:

_ آینده پژوهی در سیره امام رضا(ع)

_ مدیریت بحران امامت در سیره امام رضا(ع)

_ روش شناسی سیره مدیریتی امام رضا(ع)

اعضا:

- حجت الاسلام والمسلمین دکتر ولی الله نقی فر (دبیر علمی میزگرد) رئیس محترم

انجمن مدیریت حوزه علمیه قم

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضا آبروش، استادیار گروه علمی مدیریت

فرهنگی دانشگاه معارف اسلامی

- آقای دکتر وحید وثوقی راد، استادیار گروه علمی مدیریت موسسه امام خمینی(ره)

آقای دکتر وحید وثوقی راد، استادیار گروه علمی مدیریت موسسه امام خمینی(ره)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. من هم به نوبه خودم این روز مبارک و میلاد فرخنده را خدمت حضار عزیز، اساتید محترم تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

بحشی که قصد دارم خدمت عزیزان ارائه بدهم، بحث روش و شیوه ورود به مباحثی که از سیره، مخصوصاً از سیره امام رضا(ع) می‌خواهیم استنباط کنیم، است. این بحث یک مقدمه و یک پیش زمینه دارد. در سال‌های اخیر، برای استخراج منابع مدیریتی از سیره ائمه معصومین تلاش‌های زیادی شده است و بیشتر هم محور روی پیامبر اکرم(ص) و امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب(ع) بوده است. اما در مورد سیره امام رضا(ع) و دیگر ائمه هدی، کار چندانی صورت نگرفته است. حال که آستان قدس رضوی می‌خواهد این کار را شروع کند، اگر به صورت نظام مند و سیستماتیک یک روشی را برای ورود به بحث ارائه کنیم، که این کارهای تکراری پیش نیاید، دقت و توجه به یکسری مباحث لازم و ضروری است. اولین بحث، کار کردن در قالب تیم‌های منظم و منسجم در این زمینه است که نیازمند مقدمه است. اما بحثی که به صورت مستقیم می‌توان گفت در حساب و ورود باید به آن تذکر داد، این است که نحوه ورود ما به سیره و استفاده از آن چگونه باید باشد. چیزی که مشهود است و مطالعاتی که به همت دوستان و اساتید بزرگوار انجام شده است. اولین چیزی که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که در مبنا بایستی بحث قرآن محوری را در اولویت قرار بدهیم. اگر سیره ائمه هدی به صورت عام و سیره آقا امام رضا(ع) به صورت خاص در رشته‌های مختلف را بخواهیم

ورود پیدا کنیم، بحث جامع نگری و توجه به قرآن یکی از ضروریات مهم است. به عنوان مقدمه بایستی چارچوب‌های اصلی خود مدیریت اسلامی به معنای عام، که مؤلفه‌ها و ارکان اصلی آن چیست را از قرآن به عنوان یک کاربست و چارچوب اصلی استخراج کنیم. سپس سیره را متناسب با این بررسی کنیم. کاری که ما می‌کنیم این است که مباحث مدیریت را از علم رایج غرب دریافت می‌کنیم، واژگان و مفاهیم و الگوها را، و این‌ها را به سیره اهل بیت عرضه می‌کنیم. گاهی اوقات این موضوع تبعاتی دارد. تبعاتش منجر به این می‌شود که ما الگوها، مفاهیم و نظریاتی که پیش زمینه غربی دارد را استنتاج به احادیث می‌کنیم. احادیث موافق و مخالف را بگیریم و به الگویی برسیم. اما اگر بتوانیم این چارچوب و داربست را از قرآن استخراج کنیم، آن وقت این یک زمینه خوب برای ورود به سیره می‌شود.

حال با توجه به این چارچوب کلی، اگر بخواهیم به سیره مدیریتی امام رضا(ع) به صورت تخصصی تر وارد شویم، باید چه کار کنیم؟ در ابتدا جمع آوری احادیث و روایات و نقل قول و تقریر حضرت رضا(ع) در یک منظومه واحد جمع شود. نحوه استفاده از این احادیث و روایاتی که جمع آوری شد، به چند شیوه می‌توان به آن ورود پیدا کرد.

ابتدا اینکه احادیث و مسند جمع آوری شده‌ای را که داریم، مانند قرآن، ورودی جامع نگرانه داشته باشیم. فارغ از مباحث و مسائل مدیریتی پژوهشگران، از ابتدا تا انتها این را مورد بررسی قرار بدهند. احادیث را به صورت تک تک، مفاهیم مربوط به مدیریت را استخراج کنند و در کنار هم قرار بدهند، با توجه با اینکه از قرآن استخراج شده تا این مطالب جمع آوری شوند و الگوها و مدل‌های مسائل مربوط به مدیریت شویم. این یک شیوه است. منتهی کل سیره را مورد بررسی قرار دهید.

کاری که در بحث سیره ائمه هدی انجام شده است، همانطور که گفته شد ما سیره را کامل بررسی نمی‌کنیم. مسائل را که گرفتیم، تأییداتی می‌گیریم و اینها را مورد دقت قرار می‌دهیم. اگر این مرحله به این شکل محقق نشد، روش دیگر این است که سیره را با توجه به واژگان و مفاهیم، مسائل و سوالاتی که از علم روز می‌گیریم، عرضه کنیم. بعنوان مثال، در مرحله مدیریت، بنده حدود ۲۰ موضوع را آماده کرده ام که می‌شود با این نگاه، به سیره امام رضا(ع) عرضه کرد. هر یک از این موضوعات را می‌توان به صورت یک تحقیق واحد انجام داد.

بعنوان مثال، بحث مدیریت بر خود، مدیریت بر جامعه، مدیریت بر خانواده، با این نگاه موضوعات را بررسی کنیم. یا در مسائل جزئی تر مدیریت؛ برنامه ریزی در سیره مدیریت امام رضا(ع)، کنترل در سیره مدیریت امام رضا(ع)، وحدت در سیره مدیریت امام رضا(ع)، ارتباطات در سیره مدیریت امام رضا(ع)، فرهنگ سازی در سیره مدیریت امام رضا(ع)، آموزش و تربیت منابع انسانی در سیره مدیریت امام رضا(ع)، عناوین را به این شکل استخراج کنیم.

این هم یک نوع روش و ورود به بحث می‌تواند باشد. عزیزان توجه داشته باشند، هر نوع ورود و رویکردی را که عرض می‌کنم، به ترتیب اولویت است. رویکرد چهارم، بررسی وقایع مهم در سیره امام رضا(ع) به صورت عام از سیره که این وقایع را به صورت تک واقعه از نگاه مدیریتی بررسی کنیم. به عنوان مثال، بحث ولایت عهدی، بحث هجرت امام رضا(ع) از مدینه به مرو، ابعاد مدیریتی این تک واقعه‌ها را بررسی کنیم. یک نگاه پایین تر، این وقایع را با توجه به مسائلی که در این واقعه نمود بیشتری دارد، بررسی کنیم. بعنوان مثال با توجه به مطالعات مدیریتی می‌توان گفت بحث ولایت عهدی را از نگاه تخصصی مدیریتی بررسی می‌کنیم، بحث مدیریت بحران نمود بارزی دارد. حال که این طور شد، بحث ولایت عهدی را با توجه به بحث مدیریت بحران مورد بررسی قرار می‌دهیم. یک نگاه دیگر، سیره یا روایات را تقسیم بندی، فصل بندی

کنیم. باتوجه به موضوعاتی که وجود دارد، بحث مدیریت را مطرح کنیم. بعنوان مثال از حیث تاریخی بررسی کنیم، دوران اقامت حضرت در مدینه، این را مقطع بررسی برای بحث مدیریت امام رضا در این دوره‌ها قرار دهیم. یا احادیث را از حیث محتوا مورد بررسی قرار دهیم. این هم یک رویکرد است. که می‌شود گفت مسائل اعتقادی و اخلاقی را و مسائل سیاسی و اجتماعی را تقسیم بندی می‌کنیم، هرکدام از این‌ها را با رویکردهای مدیریتی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تقریباً ۷ رویکرد را خدمت اساتید بزرگوار عرض کردم. اما پیشنهادی که بنده و دوستان مان با خرد جمعی به آستان قدس داریم این است که اگر بتوانیم بحث قرآن محوری را در یک کارگروه قوی و یک تیم منسجم به این شکل ورود پیدا کرد، ابتدا استخراج خود مدیریت اسلامی از قرآن و مبنا قرار دادن آن و ورود به سیره امام رضا(ع) با توجه به آن مبنا، و بررسی تمام سیره با توجه به رویکرد اولی که عرض کردم، اگر این کار را انجام دادیم، می‌شود یک مجموعه مدیریتی فاخر و ارزشمند برسیم.

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر ولی الله نقی پورفر (دبیر علمی)

با وجود هیئت علمیه‌ها در حوزه‌های مختلف، یک کار جامع و سیستمی و چند مرحله‌ای باید تحقیقات سیره را به انجام برساند. مراکزی هستند که بودجه‌هایی را برای پایان نامه‌های ارشد و رساله‌های دکتری تعیین کرده اند. مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مراکز دیگری که در حال تلاش هستند. بیش از ۲۰ مرکز تخصصی حوزوی هست که در حال فعالیت هستند. در ابتدا یک واجب اولیه داریم که سیره مستوفای اهل بیت احصا شود. ۴۰ سال از انقلاب اسلامی گذشته است و هنوز یک سیره عام از اهل بیت نداریم. این باعث خجالت و شرمندگی ما نسبت به اهل بیت است. از ۲۰ سال قبل این موضوع را در حوزه‌های علمیه تذکر می‌دهم و هنوز این موضوع عملیاتی نشده

است. پس آستان قدس هم می‌تواند با این نگاه درست علمی، گروه‌های علمی که موضوعات را تصحیح می‌کنند، یک سیرهٔ عام تبیین شده، تبیین و تصحیح‌سندها و با گروه فقه، گروه تاریخ و گروه مدیریت، این سه گروه یک سیره‌ای را تبیین کنند. سه جلد این سیره را استخراج کرده اند. نیامند کار جدی هستیم. این کار انجام شود تا کسانی که در رشته‌های علوم انسانی، مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و عرصه‌های مختلف کار می‌کنند یک متن خوب در اختیار داشته باشند و از آن زاویهٔ رشتهٔ تحصیلی خودشان به سیره بنگرند. همان طور که عرض شد، قرآن محور باشد. پس بر مبنای قرآن که اجمال اندیشه‌ها و شخصیت اهل بیت را بیان می‌کند، استخراج کنیم.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضا ابروش

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. با کسب اجازه از اساتید محترم و حضار عزیز، موضوعی که قرار است خدمت عزیزان مطرح کنم، بحث آینده پژوهی در سیرهٔ امام رضا(ع) است. هرکاری مبتنی بر برنامه است. انسانی را پیدا نمی‌کنید که بگوید بدون برنامه، کاری را انجام داده است. با این حساب هر کاری که در هر فضایی بخواهیم انجام بدهیم، من جمله فضای سازمانی، فضای علمی، فضای اجتماعی مبتنی بر برنامه است. برنامه ریزی هم طی یک تعریف مختصر و مفید، رفتن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. تمام فعالیت‌هایی که فرد تلاش می‌کند از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب دست پیدا کند، برنامه ریزی می‌گوییم. با توجه به موانعی که تحت کنترل ما نیست، اقتضائاتی که در شرایط بیرونی وجود دارد و من نمی‌توانم آن‌ها را کنترل کنم، صدق برنامه ریزی به این بیان جواب نمی‌دهد. باید چه کنیم؟ باید به سمت برنامه ریزی‌های استراتژیک یا برنامه‌های راهبردی رفت. فرصت‌ها و تهدیداتی که در محیط پیرامون امام وجود دارد را شناسایی می‌کنیم. متناسب با آن‌ها، کار امام را مورد توجه قرار می‌دهیم تا به هدفی که مدنظرمان است،

دست پیدا کنیم. تا حدی که عواملی وجود دارد که الآن برای من و شما روشن نیست، ناپیدا است. در لابلای جامعه وجود دارد که احتمال دارد ۵ سال آینده، ۱۰ سال آینده، ۵۰ سال آینده حضور پیدا کند. چه کار کنیم؟ سراغ آینده پژوهی رفتیم. لذا امروزه، آینده پژوهی یکی از الزامات برنامه ریزی محسوب می‌شود. یعنی شما نمی‌توانید برنامه ریزی کنید، اما آینده پژوهی نکنید. در این پژوهشی که توفیق پیدا کردم برای امام رضا انجام بدهم، بررسی کردم و متوجه شدم کسی در مورد آینده پژوهی در سیره امام رضا کار نکرده است. این پیشینه پژوهش است.

سؤالی که برایم مطرح شده این است که حضرت که به اعتقادات ما، عقل کامل، انسان کامل است، چه کار کردند؟ چه نگاه آینده پژوهانه‌ای داشتند؟ باتوجه به دسیسه‌هایی که عباسیان و برخی از فرقه‌های فرهنگی و فکری برای ایشان به وجود می‌آوردند، حضرت چه می‌کردند؟ دو مقدمه کوچک عرض کنم. این را توجه داشته باشید که ما در تحلیل هایمان خیلی اشکال داریم. یک خراسان، در آن زمان که از طرف امویان به پایگاهی برای مخالفان سیاسی و مذهبی تبدیل شده بود، تا جایی که ابومسلم خراسانی آمد و آن اتفاقات افتاد، حکومت را از امویان تحویل عباسیان می‌دهد، که بعد از مدتی خود خراسان تبدیل به پایگاه مخالفان سیاسی و مذهبی عباسیان شد. برای خراسان کانون اندیشه‌های مختلف و فرهنگی و مذهبی بود. مقدمه دوم، هارون الرشید ملعون، به منظور کنترل مخالفان، مرکز حکومتش را به خراسان تغییر می‌دهد.

مقدمه سوم. خراسان، آن طور که سیره نویسان و صاحبان فن نقل می‌کنند، می‌گویند هم از نظر ثروت و هم از نظر رجال، حائز اهمیت بود. از چین و هند رفت و آمد داشتند. حال وقتی مأمون به خلافت می‌نشیند، چه سیاستی را دنبال می‌کند؟ دو سیاست مدنظر قرار می‌گیرد. ولایت عهدی امام رضا(ع) برای همین است. برای رسیدن به ولایت عهدی، امام رضا(ع) را مجبور می‌کند که حضرت بپذیرد. یک سیاست، مأمون درصدد بود با جذب علویان امام شیعیان، توجه و قلب مردم را به خود جلب کند. با آوردن رهبر علویان، علویان و

شیعیان را به سمت خود بیاورد. دوم که در مطالعات مطرح است مأمون قائل به این است که در این فضای فرهنگی که هر کسی می‌آیند و اندیشه و باورها و ارزش‌ها، نمادها، هنجارها و رفتارهای خودش را در جامعه مطرح کند، در این فضای سیاسی و فرهنگی که مأمون دنبال می‌کند، می‌خواهد نقش فرهنگ شیعه کمتر بشود. لذا سیاست کم رنگ تر شدن فرهنگی شیعی را دنبال می‌کند. فرهنگ‌های آن زمان، فرهنگ‌های مسیحی، یهودی، زرتشتی، زنادقه، فرقه‌های مختلف شیعی همه را در یک تراز قرار دهد. امام رضا باید چه اقدام آینده پژوهانه‌ای را انجام بدهد؟ آینده پژوهی چیست؟ آینده پژوهی فرآیندی است که با شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود، زمینه بهره‌مندی از آنها را برای تحقق آینده مطلوب مورد توجه قرار بدهد. یک برداشت غلط وجود دارد که فکر می‌کنند، آینده پژوهی، به معنای غیب‌گویی است. اگر بخواهید برای دیدن آینده در آینده پژوهی وزنی را قائل شوید، یک وزن ۱۰٪، ۲۰٪ است. ۹۰ تا ۸۰٪ اقداماتی است که آینده پژوه از حال بایستی دنبال کند برای افقی که مطلوب و مدنظرش است.

می‌گویند انسان کامل، کسی است که دوران‌دیش است. کاری که از او می‌خواهد انجام بدهد. متناسب با فضای آینده مهره‌هایش را می‌چیند، ظرفیت‌ها را می‌بیند و از آن برای تحقق بخشیدن به آن آینده استفاده می‌کند. در این زمینه از حضرت سوال کردند. حضرت فرمودند مراقب فرصت‌ها باشید. فرصت که به وجود آمد، از آن فرصت برای رسیدن به اهداف متعالیه یا چشم‌انداز خودت تلاش کن. رمز یکی از کلیدهای حیاتی در آینده پژوهی شناسایی و به کارگیری پیشوا است. پیشوا چیست؟ می‌گویند تمام هواپیما را موتور جت حرکت می‌دهد. نیرویی در اثر ترکیب سوخت با هوا با اتفاقاتی که در موتور جت رخ می‌دهد، نیرویی به نام نیروی پیش‌وارش به وجود می‌آید.

آن چیزی که آینده ما را می‌سازد، آن نیرو است. وقتی امام رضا(ع) در محمسه گیر افتادند که باید بالاجبار ولایت عهدی را بپذیرند، پیشنهاد شناسایی کردند. پیشنهادهایی که حضرت شناسایی کردند تا بتوانند

فرهنگ شیعه را در آن فضای خطرناک که اسمش قشنگ است، ظاهرش قشنگ است که همه فرهنگ‌ها کنار هم باشند، اما در نهایت آن فرهنگی برنده می‌شود که بیشتر هزینه کرده است، بیشتر پول داده است. در این فضا اگر فرهنگ شیعه عقب بماند، فرهنگ مسیحی، فرهنگی یهودی، فرهنگ زرتشتی که متأسفانه حالا هم در برخی از شهرهای ما دارد کار میشود، اما نه اینکه همان بشود پیشوای فرهنگی ما و آینده فرهنگ شیعی را مقابل خودش قرار بدهد. راوی می‌گوید شخصی دشنه به دست به سمت امام می‌رفت که از امام بپرسد چرا ولایت عهدی را پذیرفتی؟ که اگر قانع نشد، ایشان را بکشند و به قتل برساند. حضرت در جواب می‌گوید عباسیان بافرهنگ تر هستند یا مصریان؟ و بعد مثال می‌زند که حضرت یوسف که پیغمبر و پیغمبرزاده بود، از فرصت استفاده کرد و با آن اهداف و چشم اندازش با حکومت نشست و برخاست داشت تا به اهداف و چشم انداز متعالی خودش دست پیدا کند. یعنی چه؟ یعنی من که پسر فاطمه زهرا(س) هستم هم اهدافی دارم.

درست است که به چشم شما ولایت عهدی را پذیرفته ام، اما فرهنگی شیعی را در خطر می‌بینم، اهدافی را دارم. لذا حضرت دو پیشوا را شناسایی کردند و به کار گرفتند. یک تعامل علمی امام رضا با رهبران فرهنگی؛ فضای مباحثات و مناظرات علمی باز شده است، حضرت آینده‌ای که ترسیم فرمودند، صیانت، گسترش و تثبیت برای شیعی. چرا صیانت؟ چون باید به شبهات مطرح شده پاسخ می‌دادند. چرا گسترش؟ چون برخی از افراد می‌خواستند جلوی گسترش فرهنگی شیعی را بگیرند. چرا تثبیت؟ چون بعضی از بچه‌های شیعیان تحت تاثیر افکار رهبران مذاهب مختلف قرار گرفته بودند. پیشوای دوم، نفوذ در ارکان فرهنگی جامعه. امام رضا(ع) در روایتی می‌فرمایند: رهبر جامعه به معنای عمود یک خیمه است و همه تلاش می‌کنند که آن را بگیرند. اگر قرار است فرهنگ شیعی در این منطقه و مکان گسترش پیدا کند، امام شیعیان، باید ارتباطی با دستگاه آن زمان داشته باشد تا بتواند فعالیت‌های خودش را داشته باشد. نمونه اش را داریم.

نفوذ امام رضا(ع) و برنامه‌هایی که داشتند نماز بارانی که خواندند، در تاریخ داریم که حتی ابر آمد، امام رضا(ع) فرمودند این ابر ما نیست، تا دهمین ابر که آمد، حضرت فرمودند این ابر برای منطقه خراسان است. قدرت حضرت در آن منطقه نمایان و مطرح شد. تا جایی که مأمون ترسید و حضرت را برای نماز عید فرستاد اما امام را برگرداند. امام رضا(ع) از فرصت به وجود آمده، البته نمی‌توانم بگویم فرصت، تهدیدی که مأمون برای او ایجاد کرد، حضرت با نگاه آینده پژوهانه به فرهنگ شیعی، آن تهدید را به فرصت تبدیل کردند و نهایت بهره برداری از آن فرصت را نمودند.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر نقی پورفر

منزلت احادیث سلسله الذهب را تذکری بدهم. احادیث سلسله الذهب داریم که نمونه برجسته است. اما مجموعه سیره حضرت را که بررسی فرمائید، می‌بینید که ۴۰-۵۰٪ از موارد از سلسله الذهب است که به پیامبر عظیم الشان اسلام متصل می‌شود. این خود یک تحلیل جدی نیاز دارد. کمتر در سیره امام معصومی می‌بینیم که این چنین اصراری باشد که بیان خودشان را متصل به پیامبر کنند. می‌خواهم این منزلت را از منظر علمای اهل سنت عرض کنم. حضرت نقل می‌کند: اگر این سلسله الذهب را بر دیوانه بخوانند، از دیوانگی اش، یا بر کر و لال بخوانند، از این کری و لالی آزاد بشود، شکی نیست. عالم بزرگ اهل سنت می‌گوید اگر این سندها بر دیوانه خوانده شود به هوش بیاید، دیوانگی را کنار می‌گذارد. این روایت را اهل سنت به شیوه‌های مختلف بیان می‌کنند. اما تعبیر یکی است.

میزگرد دوم: میراث امام رضا(ع) و حکمت شیعی

اعضا:

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر برنجکار(دبیر علمی)، رئیس محترم انجمن کلام حوزه علمیه قم و استاد تمام دانشگاه تهران
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر خسرو پناه، مدیر محترم گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دبیر و نایب رئیس هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره، و معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر رسول رضوی، رئیس دانشکده علوم و معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر خسروپناه

سلام علیکم و رحمت الله. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین. من هم دهه کرامت و میلاد باسعادت آقا امام رضا(ع) را تبریک عرض می‌کنم. درس حکمت و چیستی حکمت نسبت آن با سیره رضوی یکی از بحث‌های مهمی است که اگر از منظر تلقی که ما از حکمت داریم به معارف رضوی بپردازیم، دستاوردهای ارزشمندی نصیب ما می‌شود که علاوه بر تقویت که نسبت به معارف اسلامی صورت می‌گیرد، شاید تحول و تکاملی هم نسبت به فلسفه اسلامی پدید بیاید. آنچه که امروزه به عنوان فلسفه اسلامی شناخته می‌شود، از یونان و روم باستان و ایران باستان وارد جهان اسلام شد و فلاسفه‌ای مانند ابن سینا و سهروردی با نگاه‌گزینشی و تحولی، حکمت را تأسیس کردند. شخصیت‌هایی مانند خواجه نصیرالدین طوسی حکمتی ترکیبی و فلسفه ترکیبی از مشاء و اشراق ارائه کردند. تا نوبت به ملاصدرا رسید. ملاصدرا با استفاده از میراث گذشته و عرفان ابن عربی نظامی به نظام حکمت متعالیه ساخت. این سیری است که در فلسفه اسلامی از سهروردی تا ملاصدرا و بعد هم همان را ادامه دادند. نظر من این است که اگر تبیینی از حکمت قرآنی بکنیم. بینیم حکمت در قرآن و روایات ما با چه معنایی به کار

رفته است. سپس بر اساس این معنا، سراغ فرمایشات امام رضا(ع) برویم، نوع ساختار و ورود خروج مباحث فلسفی ما تغییر پیدا خواهد کرد.

شاید ساختار مباحث کلامی مان عوض شود. حکمت که در آموزه‌های دینی ما به کار رفته، البته در میراث سنت اسلامی مان هم مرتب به کار رفته است، و شعرایی مانند فردوسی هم زیاد این واژه را به کار برده اند؛ جهان سر به سر حکمت و عبرت است

چرا بهره ما همه غفلت است؟

حکمت را ایشان در برابر غفلت به کار می‌برد. در متون دینی ما هم با مشتقاتی که حکمت داشته است، سوره لقمان و سوره اسراء، این دو سوره بحث حکمت به تفسیر بیشتری بیان شده است. بحث‌هایی مانند به اعتقاد به معاد، تا بحث نماز، احسان به والدین، پرهیز از تکبرورزی و فخرفروشی، به عنوان حکمت معرفی شدند. در روایات هم، وقتی از معصوم سوال می‌پرسند، حکمتی که به لقمان داده شد، چیست؟ می‌فرمایند: عقل و فهم. خداوند به لقمان عقل و فهم داد. و مقابل حکمت در روایت را هوا معرفی کردند. ضد حکمت، هوا است. همچنین در روایت دیگر هم خطا است. هم حکمت مقابل خطا و هم مقابل هوا به کار رفته است. در یکی از نوشته‌هایم، حکمت را در نصوص دینی بررسی کرده‌ام. به این جمع بندی رسیده‌ام که حکمت در روایات ما عبارت از مجموعه معارف عقلانی است. عقلانی که می‌گویم منظورم وجدانی، فطری است. مجموعه معارف عقلانی که منتهی به عمل صالح شود. حکمت، بینش و منش و کنش خاصی است. دانش و بینشی که انسان را به تعبد و عمل صالح سوق می‌دهد. بینشی که در مقابل خطا است، بینش علانی صحیح که مبتنی به عملی شود که با هوای نفس و رذایل منافات داشته باشد. بنابراین حکمت قرآنی و روایی هم جنبه نظری و معرفتی و هم جنبه عملی دارد. هم جنبه ادراکی و هم جنبه کنشی دارد. هم به حوزه اعتقادات

و باورها و هم به حوزه اعمال فردی و اجتماعی مربوط می‌شود. این را با آنچه که امروزه به فلسفه گفته می‌شود، مقایسه کنیم، مترادف نخواهد بود. در قدیم فلسفه می‌گفتند هم نظری و هم عملی را شامل می‌شد. اما الآن فلسفه که گفته می‌شود، شاید نسبتش با حکمت، عموم و خصوص من وجه باشد. به لحاظ روش هم می‌تواند امور مطلق باشد، یک مقدار روش حکمت از منظر قرآن عام تر است. اما در فلسفه تنها آن روش منطقی و استدلال عقلی است. باتوجه به تلقی که عرض کردیم، سوال این است، آیا می‌توانیم بهره‌حکمی از معارف امام رضا(ع) ببریم؟ امام رضایی که به تعبیر امام کاظم(ع) عالم آل محمد است و از ثمره علم، حکمت است. حکیم آل محمد است. کل معارف حضرت، حکیمانه است. زیرا هم جنبه بینشی و اندیشه‌ای و معارفی در فرمایشات حضرت فراوان است، هم جنبه کنشی و عملی چه فردی و چه اجتماعی. این مسئله‌ای است که مأمون هم اعتراف می‌کند. این اعتراف به معنای حکمت امام رضا(ع) است.

در بیست سال امامت امام رضا که ۱۷ سال در مدینه و ۳ سال در خراسان بودند، حضرت معارف حکیمانه فراوانی را مطرح کردند. جلساتی که در مدینه داشتند. راوی می‌گوید نزد امام رضا بودم و مجلس پُر از مردم بود، مذاکره و گفتگو درباره غدیر می‌کردند. بعضی‌ها انکار می‌کردند. حضرت در این جلسات حضور داشته و مسائلی را مطرح می‌کردند. قبل از اینکه به بعضی از زوایای کلیدی تر حکمت رضوی اشاره کنم، نکته روش شناختی را عرض کنم. باید در کسب حدیث غیر جعلی مراقب باشیم. در عیون اخبار الرضا(ع) روایتی را عرض کرد.

می‌گوید یابن رسول الله روایات مخالف شما در مورد فضایل امیرالمؤمنین(ع) و اهل بیت نزد ما است، اما مثل آن‌ها را در روایت شما نمی‌بینیم. آیا اعتقاد به این روایات پیدا کنیم یا نه؟ حضرت فرمود: یابن ابی محمود، مخالفان ما سه نوع خبر را درباره فضایل ما جعل کرده اند، مراقب باشید. یک دسته غلو، یک دسته تقصیر و کوتاهی‌هایی که در حق ما دارند و یک دسته بدی‌هایی که دشنام‌هایی که به دشمنان ما است را به ما

نسبت می دهند. بعد حضرت فرمودند، وقتی مردم اخبار این دسته را می شنوند که ما اهل بیت به دشمنان مان دشنام می دهیم، توهین می کنیم، اینها شروع به تکفیر شیعیان می کنند. می گویند شیعیان به خاطر غلوی که دارند، یکی این دشنام ها، قائل به ربوبیت ائمه ی خودشان هستند. یعنی دو کار در شیعیان است که باعث تکفیرشان می شود، یکی غلو و همین باعث می شود که آنها در حق ما گرفتار تقصیر شوند. مقام اهل بیت را نپذیرند و وقتی هم بدی های دشمنان ما را می شنوند، به ما دشنام می دهند. در حالی که خداوند فرمود دشنام ندهید چون آنان هم از سر ظلم شروع به دشنام دادن می کنند. باتوجه به نکته ای که در مورد حکمت عرض کردم، باتوجه به نکته دوم روش شناختی می خواهم چند کلیدواژه را عرض کنم که توضیح نمی دهم. ان شاءالله در فرصت های مناسب توضیح می دهم.

یکی نگاهی که حضرت به عقل دارد. روایات مفصلی است. گاهی اوقات عقل در مقابل جهل به کار رفته است. بحث عقل اگر کار ویژه ای رویش انجام شود، زیرا عقلی که در روایات آمده است، تنها منبع معرفتی نیست. منبع کنشی هم است. خیلی عجیب است، پیوند نظر و عمل در مقوله عقل، مقوله حکمت، به نظرم نگاه ما را به فلسفه عوض می کند. اینکه می بینید، ملاصدرا در تعلیقه ای که بر الهیات شفاء دارد. اگر منبع حکمت و فلسفه را عقل، عقل از منظر امام رضا(ع) بگیریم مباحث فلسفی ما یک ساختار پیوند نظر و عمل وسیعی پیدا می کند. آن چیزی که امروزه نیاز جامعه ما است. چرا امروزه به فلسفه ورزش، حتی فلسفه پول، فلسفه عمل نمی پردازیم؟ عمدتاً بحث هایمان انتزاعی است. فکر می کنم اگر به مقوله عقل که بحث مفصل دارد، یا مقوله علم، مقوله هایی است که می تواند ما را به مسائل حکمی نزدیک کند.

با این مقوله علم و حکمت، خدانشناسی امام رضا(ع)، ولایت شناسی امام رضا(ع)، سبک زندگی امام رضا(ع) کاملاً حکیمانه است و حکمت امام رضا از خدانشناسی شروع می شود و تا عرصه سبک زندگی شناسی حکیمانه امام رضا(ع) ادامه می یابد.

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر رسول رضوی

بسم الله الرحمن الرحيم. اگر بخواهیم در مورد میراث امام رضا(ع) سخن بگوییم، چاره‌ای نداریم که یک گزارشی از اوضاع و شواهد علمی آن دوره ارائه کنیم. امام رضا(ع) ناظر به برخی دیدگاه‌ها و نظرها و اموری که در آن دوره هم مطرح بوده، مجالس علمی که در عصر آن امام عزیز وجود داشته و امام در آن مجالس فعال بودند را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. آن‌هایی که خود شیعه است، سه مرکز مهم را می‌توانیم نام ببریم، مرکز علمی کوفه، مرکز علمی بغداد، مرکز علمی قم. کوفه نتوانست نقش آفرینی خودش را میان شیعیان به سرانجام برساند. نیاز به اصلاح و بازبینی داشت. به همین دلیل دوره رکود و ضعفش از آن زمان شروع می‌شود. حوزه علمی دیگری بغداد و قم است که با حمایت‌های امام رضا تقویت می‌شوند. امام رضا(ع) برخی از اصحاب را ارجاع می‌دهند که ایشان یاد بگیرند.

این‌ها زمینه ساز اتفاقات مهم شیعی است. اما مراکز غیرشیعی، در آن دوره اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم را دوره ورود فلسفه به جهان اسلام، دوره‌ای است که علوم قرآنی و فلسفه وارد فلسفه اسلامی شدند. این ورود، در میان مسلمانان دو درگاه مهم داشته است. درگاه اول که در موردش خیلی سخن گفته شده است، منطقه شام و بغداد است. از زمان بنی امیه این ترجمه شده‌ها شروع شده و بعد هم در بغداد، در زمان منصور و هارون و مأمون استمرار پیدا کرد. نزدیک به ۲۰۰ کتاب را از رمانی ترجمه کردند. این درگاه ترجمه را به صورت دستوری انجام داده است. آن گونه که می‌دانید، تا زمان مأمون به صورت طبیعی ترجمه‌ها شکل می‌گرفت. اما ترجمه‌ها بیشتر در حوزه علوم پزشکی و ریاضیات بوده است. اما از زمان مأمون که دستور داد و رفتند از علوم شرقی کتاب‌ها را آوردند و به صورت دستوری ترجمه شد، چون ما بیشتر با این درگاه آشنا هستیم. خیلی در موردش سخن نمی‌گوییم. اما یک درگاه است که کمتر در موردش سخن گفته شده است. درگاه و ورودی شرقی یا خراسان بزرگ است. خراسان بزرگ درگاه مهمی برای ورود فلسفه یونان به جامعه

اسلامی بوده است. البته شواهد و قرائن را می‌توانیم برای این ارائه کنیم. شاید بعدها، شواهد و قرائن بیشتری هم پیدا شود.

تاریخ شروع این درگاه، زودتر از درگاه شام بوده است. یعنی ورود فلسفه یونان به جامعه اسلامی در منطقه شرق و خراسان زودتر اتفاق افتاده است. با این تفاوت که دستوری نبوده، ترجمه‌ای نبوده و به صورت تبیین و بسیار مستمر اتفاق افتاده است. برای اینکه این درگاه را بیشتر معرفی کنم، باید خلاصه‌ای از تاریخچه منطقه خراسان که تقریباً از دامغان امروز شروع می‌شود و تا جیحون را شامل می‌شود و سه مرکز هم نیشابور و مرو و بلخ را در خود جای می‌دهد، تاریخ پر فراز و نشیبی دارد. منتهی ما به حدود ۳۲۰-۳۳۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردیم. زمانی که اسکندر حمله کرد و آن منطقه را تصرف کرد. حمله اسکندر، فقط حمله نظامی نبود و در صدد ترویج فرهنگ اندلسی بود. اتفاقاً خراسان هم یکی از مراکز مهمی بود که به صورت یک پایگاه مهم برای یونانی‌ها در آمد. اسکندر چندین شهر به نام اسکندریه ساخت که امروزه یکی از آثارش به نام شهر ماه بانو باقی مانده است که در دوره‌ای یکی از مراکز مهم یونانی‌ها بوده است. بعد از اسکندر، سعودی‌ها که جانشینش بودند، حدود ۳۰-۴۰ سال بر این منطقه حکومت کردند و باز هم نقش ترویج فرهنگ را داشتند. بعد از آن‌ها دولت باختر یا باختری‌ها که یونانی‌های باقی مانده بودند، آن حکومت را نزدیک ۱۲۵ سال استمرار دادند و حکومت کردند. یعنی یونانی‌ها که به خراسان آمدند، آن جا ماندند. علوم و فرهنگ خودشان را ترویج کردند.

آن قدر ترویج علومشان مؤثر بود که حتی امپراتوری بزرگ هند تحت تأثیر همین فرهنگ کتیبه‌هایی را نوشته که به زبان یونانی است. بعضی کتیبه‌هایش فقط به زبان یونانی است. بعضی از کتیبه‌هایش یونانی و به زبان آریایی است. بعد از دولت باختر هم درست است که یونانیان ساقط شدند، اما سلوکیان که روی کار آمدند، نژاد یونانی و فرهنگ یونانی داشتند. مبلغ فرهنگ یونان بودند. سکه‌هایی که داریم به زبان و خط

یونانی است. حتی وقتی به دوره اسلام می‌رسیم، باز هم می‌بینیم که آثار و فرهنگ یونانی هنوز وجود دارد. مهم ترین شخصیتی که در دوره احتشام می‌شناسیم، افشین است. افشین نامش برگرفته از یک واژه یونانی است که به شاهان در منطقه ماوراءالنهر می‌گفتند. نکته مهم تر این است که وقتی محمود از بغداد نیروهایی را می‌فرستد تا کتابهایی را برای ترجمه بیاورند، می‌گوید و ۱۰۰ بار شتر از خراسان آوردند. من روی منبع خیلی تأکید نمی‌کنم شاید بعضی خرده بگیرند. اما این نشان می‌دهد که حتی در ترجمه‌ای که اتفاق افتاده، خراسان نقش داشته است. و اینکه مأمون در میان خلفای بنی عباس عهده دار این وظیفه شده است. بخاطر همین طبیعت خراسانی اش است. یعنی مأمون در خراسان تحت تأثیر علوم یونانی بوده که وقتی به بغداد، مرکز خلافت می‌رسد یک کار سازمان مند و نظام مند درست می‌کند. جالب تر این است که وقتی ترجمه و ورود فلسفه به جهان اسلام آغاز می‌شود، تقریباً طبقه اول و دوم فلاسفه اهل اسلام، اهل خراسان هستند که لقب بلخی دارند. بعضی‌ها تقریباً مقام اول را دارند، سرخسی در نیشابوری و سایر اسامی را هم در اینجا داریم که نقش آفرینی و تأثیرگذاری را نشان می‌دهد.

مورد دوم این است که اسماعیلی‌ها، خاستگاه نظامی و سیاسی شان در شمال آفریقا است. اما مغز متفکرشان در خراسان و دانشمندانی که حکمای اسماعیلی را با فلاسفه درآمیختند، در خراسان هستند. این نکته را می‌خواهم بگویم که وقتی امام رضا(ع) وارد خراسان می‌شوند، خراسان یکی از درگاه‌های ورود فلسفه و علوم یونانی بوده است. بنابراین، احادیثی که از آن حضرت داریم باید توجه داشته باشیم که در این قصه وارد شده است. وقتی در روایتی می‌گوید شخصی از بلخ یا از ماوراءالنهر خدمت امام رضا رسید، درباره صفات الهی، اینکه خداوند با بندگانش سنخیت دارد یا ندارد، پرسید و امام بر این روایات تأکید می‌کنند، بدون سابقه نیست. با توجه به آراء و اندیشه‌هایی که در بلخ هست، مرکز دولت، بر دروس عالم، بر مبادلات مراکز علمی خراسان مطرح بوده است.

به نظرم در یک کلمه می‌توانیم میراث حکمی امام رضا(ع) را با توجه به سابقه فکری و ذهنی که در خراسان بوده، مباحثه کنیم و تفاوت‌ها و اشتراک‌ها را به دست بیاوریم تا بتوانیم آن حکمت شیعی را به دور از نواقصی که از حواشی وارد شده تبیین و تفسیر کنیم.

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر برنجکار

هر دو استاد بزرگوار صحبت کردند، اشاره می‌کنم جناب خسروپناه راجع به مبنای حکمت و اینکه مجموعه عقلانی که منتهی به عمل صالح می‌شود و با فلسف‌ل مستند از جهات مختلف یا دروس مطلق است، اشتراکات و اختلافاتی داریم. جناب دکتر رضوی به یک معنا تاریخ فضای صدور احادیث امام رضا(ع) را بیان فرمودند و اینکه فلسفه یونان فقط از غرب ترجمه و وارد نشده، بلکه با چند واسطه و احتمالاً تحت تأثیر افکار قبل تر از سمت شرق و از سمت خراسان هم ترجمه و وارد جهان اسلام شد. حالا امام رضا(ع) در چنین فضایی می‌خواهند صحبت کنند.

معتقدیم که حکمت قرآن و روایات است. البته منافاتی هم با فرمایشات آقای دکتر ندارد. زیرا ما معتقدیم که آیات و روایات منطبق بر عقل و فطرت است. طبیعی است وقتی که این حکمت می‌خواهد عرضه شود، همه اش یک دفعه و به صورت کامل عرضه نمی‌شود. البته این حکمت به صورت دفعی و یک باره بر قلب پیامبر نازل شده است. در قالب الفاظ برای ما آمده است اما این نیازمن تبیین است. به مفهوم مرحوم علامه عسکری نقش کتاب و ائمه در احیای دین، نقش اصلی است. تبیین آن معارف، معارف عملی، اخلاقی و... به تدریج و به مرور است.

در سه دوره ائمه زمان بیشتری داشتند. یکی در زمان حکومت امام علی(ع) است. خطبه‌هایی که در زمینه حکمت شیعی فراوان است و مباحث اساسی در آن جا مطرح شده است. زمان دیگر در زمان امام باقر(ع) و

امام صادق(ع) باتوجه به فضا و امکانی که مطرح شده بود. زمان سوم، در زمان امام رضا بود. منتهی در زمان امام رضا متفاوت بود. ۱۰ مورد را بعنوان اصول حکمت شیعی که امام رضا بیان فرمودند یادداشت کرده ام. بعنوان مثال بحث اراده؛ از مهم ترین بحث‌ها است. در فلسفه هم این مطرح است و می‌دانیم ارسطو، اراده را از خدا نفی کرد. اراده به علم خدا به یک معنا برمی‌گردد. ائمه ما اراده را مطرح کردند. اینکه اراده صفت فعل است. اگر مناظره امام رضا(ع) و سلیمان را نگاه کنید، می‌بینید امام رضا(ع) تمام دیدگاه‌ها را یک به یک نفی می‌کند و این دیدگاه را بیان می‌کند. این حالت در احادیث ائمه قبله نیست. چرا؟ چون این مطلب وارد جهان اسلام شده است. آن زمان‌ها هنوز وارد نشده بود. ائمه اصل مطلب را می‌گفتند. سلیمان این گونه آغاز می‌کند، می‌گوید اراده همان علم است، امام استدلال‌ات متعددی می‌کند که علم نیست، خدا همیشه علم دارد، اما اراده نمی‌کند. او این را نفی می‌کند تا جایی که مأمون نشسته است و می‌گوید تناقض گفتی، این جا همه نشسته اند.

بعد می‌گوید چیزی شبیه علم است و بعد دوباره امام این را نفی می‌کند. دوباره می‌گوید علم نیست، فعل هم نیست. آن را هم امام نفی می‌کند. بعد یک چیزی بین صفت ذات است، امام آن را هم نفی می‌کند. بعد او را وادار می‌کند که قبول کند اراده صفت فعل است، قبول می‌کند. اما می‌گوید حادث نیست. امام می‌گوید، فعل اینگونه نیست و... در روایات دیگر این گونه نیست. بدین شکل که دیدگاه‌های مخالف را نقد کند و دیدگاه خودشان را در مقابل دیدگاه‌های دیگر مطرح کند. فرق می‌کند. اصولی که نوشته بودم، اولین بحث، عقل و وحی است. اما رضا(ع) از یک طرف می‌فرمایند ما نیاز به وحی داریم و این را استدلال می‌کنند. می‌فرمایند ما می‌بینیم که مردم عقل‌های مختلف دارند، به هیچ جایی نمی‌رسند، پس به وحی نیاز دارند. زیرا ما فکر می‌کنیم در همه چیز به جز عقل و فکر و نظر و فلسفه به خدا نیاز داریم. ما در همه چیز به خدا نیاز داریم. سپس می‌فرمایند اگر می‌خواهید اساساً به دین برسید، باید از طریق سمع برسید. اگر کسی خیال کند

که بدون سمع با عقل خودش به دین می‌رسد، اشتباه کرده است. هر سمعی هم نه! سمعی که از پیامبر و اهل بیت می‌آید. می‌فرمایند هرکسی که فکر کند بدون سمع و وحی می‌تواند به دین برسد، خودش را به نابودی می‌کشانند. باید از مسیر و نه از مسیرهای دیگر بیاید. پس باید از طریق قرآن و روایات که موضوع می‌گذرد بعدی است به دین رسید. اما عالم و دانشمند، فقیه و ادیب خدمت امام رضا(ع) می‌آید و می‌گوید: اختلاف زیاد است. ابتدای بحث از معجزه شروع می‌شود. می‌گوید قرآن را هرکسی یک جور تفسیر می‌کند، چه طور اثبات کنیم که تفسیر شما درست است؟ امام می‌فرمایند: عقل محور است. لذا کلینی کافی را نوشته، ۲ جلد اصول، ۴ جلد فروع، ۱ جلد را برای مقدمه می‌گوید که من از کتاب العقل شروع می‌کنم. چرا؟ با عقل است که متوجه می‌شویم. اما محق است. عقل هم نیاز به وحی دارد. وحی هم نیاز به عقل دارد. اینکه بگوییم عقل از صفر تا صد نیاز به وحی ندارد. که تفکر یونانی بود، محدود است. در آن جایی هم که فرمودند از متکلمین مذمت می‌کنم که با عقل خودشان بدون اینکه بیایند و دین را از ما بگیرند، مناظره می‌کنند و هرچه به ذهنشان می‌رسد می‌گویند و می‌گویند که این دین است. در روایت دیگری از امام می‌پرسند که شما کلام را نهی کردید، امام فرمودند چه طور می‌توانم کلام را نهی کنم؟ در حالی که قرآن به ما دستور می‌دهد. من جدالی که نهی کردم، جدالی بود که قبل از اینکه بیایند و از ما فرا بگیرند، می‌روند و هرچه به ذهنشان می‌رسد، می‌گویند. اینکه در بعضی جاها به حکمت شیعی، کلام گفته می‌شود، شاید بخش این باشد. ظاهراً این واژه در نیمه دوم قرن دوم رایج شد. در همان زمان امام رضا زیرا حکمای دینی و غیردینی، حرفهایشان را بیشتر در مناظرات با تکلم بیان می‌کردند، لذا کلام گفته شده است. کلام یعنی علمی که در آن شخص معارف را می‌داند و آن جنبه اثباتی بود. این طور بود که بیشتر کتاب بنویسند، یا درس بخوانند. اما عمده‌تاً بحث مناظرات بود و مناظرات امام رضا(ع) معروف شد.

ده اصل را می‌خوانم. از یک طرف امام رضا(ع) معرفت را صلح خدا می‌داند. معرفت قلبی است که خدا داده. از طرف دیگر استدلال‌ات عقلی را مطرح می‌کنند. همان جا که عقل و وحی باهم هستند، این جا هم قلب و عقل با هم هستند.

بحث بعدی توحید است. که در اصل اساسی، اصل خروج امام رضا(ع) از امام رضا(ع) پرسیدند آیا می‌شود شعر گفت؟ امام رضا فرمودند: بله. به شرطی که به شیء تشبیه نکنید.

اصل سوم نفی قیاس است که اصل بعدی است. یک اصل که امام رضا(ع) مطرح فرمودند که توصیف خدا نباید به صورت و حد منجر شود. لذا وقتی امام وارد مرو شدند، در آن خطبه مشهور که مأمون مجلسی را آراستند و امام شروع کردند. حال اینکه چگونه صفت مخلوق است، یک بحث مفصلی داشتیم. به عنوان اینکه یک معاهده کلامی که در کتاب قواعد کلامی توحید بحث شد. اینکه صفت به معنای خاص، به صورت و تشبیه و مخلوقیت منجر می‌شود که نفی صفت به معنای عام است. از یکی از ائمه پرسیدند خدا را می‌توانیم توصیف کنیم؟ امام فرمودند: بله. گفتند: چه طور؟ شما که فرموده بودید نمی‌شود. فرمود: توصیف کن به اینکه خدا توصیف نمی‌شود. یعنی توصیف انواع و اقسام دارد. معنای خاص توصیف که به عکس و صورت و حد، محدود می‌شود را امام نفی کردند. یکی دیگر از مفاهیمی که امام مطرح کردند، الهیات تعبیری است. در مقابل انواع الهیات؛ الهیات اثبات که فلاسفه می‌گویند، الهیات سلبی که متکلمین می‌گویند، الهیات کارکردی که دیگران می‌گویند و...

امام الهیات جدیدی را به نام الهیات تعبیری که اسماء و صفات ما را به محضر خدا می‌برند، ما را حاضر در محضر خدا می‌کند و مفاهیم و معانی موضوعیت ندارد.

امام در چند روایت این موضوع را مفصل توضیح داده اند. بحث اراده که اشاره کردم. بحث قضا و قدر که بحث مفصل است. ارتباط بحث قضا و قدر با اراده و اختیار انسان است. بحث امر بین الامرین و تبیینی که امام می‌دهد. بحث بقا که یک نوع ترکیبی از اختیار انسان و قدرت خداوند است. بنظرم این ده اصل ارکان حکمت شیعی است و اصل اول معرفت شناختی است که نیاز است. در کتاب روش شناختی کلام، ۸ نوع ارتباط اهل‌بیت را بیان کردم که چطور این‌ها به هم نیاز دارند.

میزگرد سوم: میراث و آموزه های فقهی امام رضا(ع)

محورها:

۱. میراث فقهی امام رضا(ع)؛ گونه ها و اعتبار

۲. فلسفه فقه در احادیث امام رضا(ع)

۳. قواعد استنباط فقهی در احادیث امام رضا(ع)

اعضا:

- حجت الاسلام و المسلمین مهدی شریعتی تبار(دبیر علمی)، عضو محترم هیات مدیره بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و مدیر عامل سابق بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد علی مهدوی راد، عضو هیات علمی دانشگاه تهران
- حجت الاسلام و المسلمین محمد علی خادمی، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای شریعتی تبار

بسم الله الرحمن الرحيم و صلی الله علی رسول الله. عرض سلام و ارادت مجدد خدمت همه حضار محترم و اساتید بزرگوار دارم. همان طور که اعلام فرمودند، موضوع این میزگرد؛ میراث و آموزه‌های فقهی امام رضا(ع) است. با کسب اجازه از خدمت آقای مهدوی راد و جناب آقای خادمی، مقدمه کوتاهی را عرض می‌کنم. اینکه در مورد میراث فقهی امام رضا(ع) یا در مورد میراث حکمی امام رضا(ع) یا در مورد مدیریت در سیره امام رضا(ع) صحبت کنیم، این مطلب روشن است که این بدین معنا نیست که سایر ائمه این مطالب و معارف و حقایق را نداشتند. معتقدیم ائمه بر اصول مسلم قرآنی و کلامی و عقلی و فکری و حدیثی مان واحد هستند. بعنوان انسان کامل و امت واحد اولیای الهی، واجب همه کمالات و صفات از علم و حکمت و فلسفه و فقه و... هستند. منتهی طبعاً شرایط اجتماعی و سیاسی هر زمانی، زمینه بروز و ظهور برخی از صفات و ویژگی‌ها را در بعضی از ائمه فراهم کرده است. یکی از ائمه فرصت فرهنگی و مناسبی برایشان فراهم شد و عالم الرسول شدند، امام رضا(ع) هستند. نکته دوم درباره میراث فقهی امام رضا(ع) است. معتقدیم که یکی از فلسفه‌های وجودی و رسالت‌های ائمه و ضرورت‌های وجودی امام، تبیین فقه است. خدای متعال براساس مصالح و مفاسد، احکامی را قانون گذاری فرموده است. این احکام بعد از پیامبر اکرم باید از یک کانون و مرجع خطاناپذیر به دست جامعه برسد، امامت است که این کار را انجام می‌دهد. یکی از قواعد و فلسفه وجودی و ضرورت وجودی ائمه که وجود امام را به عنوان حجت معصوم در همه زمان‌ها

تأکید می‌کند، همین تبیین احکام فقهی است که اگر باشد، جعل و تشریح این احکام لغو خواهد شد. امام رضا احادیث فراوانی دارند. سه کاری که امام رضا(ع) انجام دادند: ۱. تبیین این احکام واقعی با مردم. ۲. مقابله با روش‌های غلط در استنباط احکام، همانند مقابله با روش قیاس. ۳. ارائه متد صحیح استنباط بود.

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مهدوی راد

بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا نکته‌ای را عرض کنم. بزرگوارانی که در این جلسه هستند، نمی‌دانم این مجموعه را دیده اید یا نه! کتاب فقه احادیث امام رضا(ع) و ابنائهم الکرام؛ آقای خادمی. وقتی عنوان روی جلد را می‌بینید، چنین تصویری پیش می‌آید که آقای خادمی بر اساس کتب فقهی، روایات امام موسی ابن جعفر(ع) یا روایات امام رضا(ع) را کنار هم گذاشته اند و به آخر رفته اند. درحالی که اینگونه نیست، نباید به این مجموعه به این صورت نگاه کرد. البته در آن زمان، ۶۰ سال قبل، کار بسیار مهمی بود. اولین مسندی هم بود که ایشان چاپ کردند. مسند به معنای سنتی قدیمی است. کار آقای خادمی به این شکل نیست. البته جناب آقای خادمی، روایات که در عناوین فقهی موجود در رسائل آورده اند، تحلیل کرده اند. هرآنچه که در منابع فقه الحدیثی مان، ذیل حدیث و بیانات گزارش آمده را آورده اند. آن‌ها را هم صرفاً نیاورده اند، ارجاع داده اند و تحلیل کرده اند. اگر دوستان می‌خواهند، با این زاویه به کتاب مراجعه کنند.

فکر می‌کنم اگر حضرت استاد چنین بحثی را در مقدمه کتاب می‌آوردند، یا اینکه بعدها این مقدمه را در حد یک جلد بیاورند، مهم و قابل توجه خواهد بود. بعد از رسول الله همان طور که می‌دانید، تحلیل گران شیعیان و سنی فقه تحولاتی دید. عالمان اهل سنت تقسیم‌ی برای فقه بعد از پیامبر دارند. دو عنوان؛ مکتب اجتهاد و مکتب نص به کار می‌برند. در ادامه می‌خواهم بگویم که وزن اولی سنگین تر است. زیرا خلیفه با

واقعیت‌های آن زمان درگیر بود و مصالح پیش رویش بود. نصل را هم سو با جریان‌های اجتهاد کند، اما علی ابن ابی طالب(ع) و ادامه دهندگانش صرفاً در نصی جست و جو می‌کردند.

بعد از پیامبر هر دو مکتب و هر دو مکتب اجتهاد بود. هم آنها اجتهاد می‌کردند، هم این‌ها اجتهاد می‌کردند. آن‌ها اجتهاد می‌کردند و علی(ع) و پیروانش در چهارچوب نص اجتهاد می‌کردند.

به صورت گذرا عرض کنم، وقتی تقلیل، اجتهاد می‌گویند، همه به یک معنا هستند. آنچه که در نهج البلاغه آمده و علی(ع) به شدت از اجتهاد نکوهش کردند، اینگونه اجتهاد است.

در حادثه خالد ابن ولید که حتی خلیفه دوم هم می‌گفت من گمان نمی‌کردم که خلیفه اول آن حکم را اجرا نکند، بعد که داستان تمام شد، دو نص پیش آمد. اینجا معلوم می‌شود که هر دو را به یک صورت استنباط می‌کرده است.

این یک جریان و جریان اهل بیت، جریان دیگری است. جریان اهل بیت بر اساس نص قرآن و سنت است. همان که در روند کافی، مرحوم کلینی گفتند این رنج من است و با این حال قرآن و سنت پیامبر در پیش روی تو است برای اینکه نقد و تحلیل کنی. این را اجمالاً عرض کردم که بگویم در گذر زمان، برای سنت اتفاقاتی می‌افتد، سنت محدود است و گاهی از نشر آن هم تا حدودی جلوگیری می‌شود. گاهی حاکمیت فی الجمله اینگونه بود. در ادامه طوری می‌شود که سنت حاکم بر قرآن می‌شود و این تعبیر که سنت قاضی علی کتاب الله درست می‌شود. جریانی که هنوز هم هست، برخی براین باورند که عرضه سنت و روایت جعل است. سنت به این طرف می‌آید و زمانی هم در آن طرف بوده است. ائمه در کنار این چالش‌ها، عدم کتابت یک زمان، تفسیرهای نادرست زمان دیگر، نوع رویارویی با سنت و قرآن، مجموعه اینها را باید راهبری کنند و آن چه که حق است را پیش ببرند. حال می‌خواهم عرض کنم در این بستر به این گستردگی که اشارات

هم اشارات بسیار ناقص بود، حضرت رضا(ع) قرار دارد. این را هم توجه داشته باشید که امام رضا(ع) بخشی از عمرشان را گرچه کوتاه است، درگیر در واقعیت‌های زمانه، در یک محیط اجتماعی و فرهنگی و فقهی و فکری و عقیدتی که کاملاً متفاوت با چیزی است که قبل بوده، ایران با مدینه، است. ایران با فرهنگ ایرانی است که خودشان هم در برخی اشاره‌ای خواهیم کرد، و آن طرف هم فرهنگ عربی بوده است. در همین کشاکش جایگاه سنت و ارتباط سنت با قرآن، و اگر روایاتی با هم مخالف بودند، چه باید کرد، روایت بسیار طولانی در عیون اخبارالرضا(ع) است که گمان می‌کنم این روایت مهم‌ترین راهبرد کسانی مانند شیخ طوسی و امثال آنها برای حل روایات تعارض نما است. این روایت را نمی‌توانم به طور کامل الآن خدمت شما عرض کنم. بخشی از آن این است و بعد به آیه ای استناد می‌کنند که بفرمایند در نهایت آن چه که حجیت دارد در اهل سنت و روایت و هم کشف این که این سنت، سنت واقعیه قابل عمل یا سنت غیرقابل عمل است، قرآن است. در مقابل این جریان، یک نقطه دیگر هم وجود دارد. برای حجیت ظاهر قرآن و بحث‌هایی که بعدها اتفاق افتاده است، اینجا جریان روایات مجهول، جریان‌های ساختگی گوناگون در مقابل حقیقتی که آن زمان وجود داشته است و یا روایات دیگر. از خود قرآن راهبردی داریم، به تعبیری گفتند حتی خود خدا، برای آینده امت اسلام دو دایره کشیده است. دایره الطهر و دایره الرجس. دایره الطهر اهل بیت هستند و دایره الرجس هم بنی امیه هستند که روایاتش هم خیلی زیاد است، به بنی امیه تفسیر شده است. و آیه تطهیر به اهل بیت است. اخیراً یکی از فضلا که از این آیه رؤیا سخن گفته، گفته است بر اساس آنچه که منابع شیعی دارد، مصداق قومیت‌ها، بنظرم حرف بی ربطی است. روایات اهل سنت که این فتنه در آن است، بسیار فراوان تر از شیعه است. و لذا می‌گوید این روایات انقدر زیاد است که نمی‌شود آن را انکار کنیم. این جریانی که قرآن باید کنارش یک مفسر امین صادقی باشد که اهل بیت هستند، از خود قرآن شروع می‌شود، بعد سنت پیغمبر است، بعد علی(ع) و همینطور ائمه تا آخر این جریان را ادامه دادند. و به همین

جهت امام رضا(ع) فرمودند وقتی راوی می‌گوید ما درباره خدا چه باید بکنیم، گفتند به میراث ما مراجعه کنید. مواظب باشید که غیر ما هدایت را به عهده نگیرند و شما را گمراه کنند. تا اینجا یک نکته است که امام رضا(ع) در مسائل فقهی و غیرفقهی، مسیر بسیار روشنی را باز فرمودند. میراثی که در کتابها وجود دارد. نکته دیگری که فکر می‌کنم حل مسئله اش در میراث امام رضا(ع) بیشتر از بزرگواران دیگر خودش را نشان می‌دهد، موضوعی با عنوان اختلاف الحدیثی که ما در برابرمان داریم. حضرت آیت الله سیستانی که اجازه نشر این کارشان را ندادند، اما بحثشان، بحث بسیار مهمی است. لذا اهل سنت هم اخلاف حدیث دارند. ما روایات بسیار گویا و خوب و قابل توجه و نقش آفرینی از امام رضا در موضوع اختلاف الحدیث داریم. روایات طولانی و مفصل هستند. یک روایت را اشاره کنم؛ این مخالفت عامه خیلی قابل بحث است. چه مقدار از مخالفت و چه مقدار از موافقت که برخی از عالمان دیگر هم فرمودند.

آقای سیستانی در همین کتاب با قرائن بسیار روشن کردند که مراد از مخالفت عامه، مخالفت با آن اندیشه‌های حاکمه است. از امام رضا(ع) مکرر این وجود دارد که گاهی وقتی کسی از امام رضا(ع) در مورد آیه‌ای سوال می‌کند، امام عمداً می‌فرمایند، مردم چه می‌گویند؟ منظورشان از ناس مردم کوچه و خیابان نیست. یعنی آن تفسیر رسمی هیئت حاکمه که تفسیر را به آن سمت می‌برند، چه می‌گویند. دو کار دیگر هم امام رضا انجام دادند، یکی روشن کردن فهم غلط در بستر فهم حدیث برای رفع تعارض یا رفع اختلاف است. کسی دو روایت را نقل کردند و امام فرمودند که در آن یکی، آن جمله را اشتباه متوجه شدی. اگر آن را درست متوجه می‌شدی، به تعارض و تخالف نمی‌رسیدی. یکی از کارهای بسیار مهمی که آقای سیستانی در اختلاف الحدیث انجام داده است، همین است. آقای صدر هم دارد. بحث آقای سیستانی بیشتر از ۳۰۰ صفحه است که بسترهای تخالف و تعارض را باز کردند. وقتی بستر باز شده، کاملاً جهت بیانی که حدیث پیدا کرده است، دیگر اختلاف و تعارضی ندارد. اخیراً در جایی مشخصاً نوشتم که دو روایت که آقای

سیستانی فرمودند علماً متعارض هستند، سید رضی ۶ راه برای حلش رفته است، شیخ طوسی قبلاً ۴ راه رفته است و شیخ حر ۳ راه را اصلاً متعارض نیستند. یعنی وقتی بستر تعارض را باز کرده اند، متوجه شدند که اصلاً متعارض نیستند. یک مسئله هم مسئله تقیه است که در روایات امام رضا برای رهایی از مسئله تعارض مطرح است. مرجعیت هم مهم است. از نیمه دوم قرن اول، حجیت صحابه به صورت به صورت آمادیک و تثوریک به صحنه می‌آید. امام فرمودند وقتی که گفته اند درست است، درست است اما کدام صحابه؟ صحابه‌ای که تغییر نکرده باشد، گناه نکرده باشد. آن مرجعیت را در آن فضای سنگینی که وجود داشته است به نحوری جهتش را عوض کردند و روشن کردند. از این نکات در میراث امام رضا(ع) زیاد وجود دارد. یک نکته‌ای که آقای شریعتی اشاره کردند، اجتهاد مستمر و دعوت است.

نکته دیگر واقع نگری و واقعیت نگری از حرف‌های انتزاعی است. مسئله عرف به صورت خیلی قابل توجهی در میراث رضوی وجود دارد. این بنده خدا در نیشابور آمد و گفت که یک زرتشتی وصیت کرده که اموالش را به فقراء مسلمان بدهند، امام فرمودند قاعداً یک زرتشتی برای فقرای مسلمان وصیت نمی‌کند، عرف اقتضاء می‌کند که برای فقرای زرتشت‌ها قرار بگیرد. یا کسی که شمشیر را وصیت کرده و... که تمام اینها در کتاب بسیار خوب جناب آقای خادمی وجود دارد. تخصیص قواعد فقهی خیلی قابل توجه است. توجه دادن به نکات زمان که در آن فرهنگ جدیدالاحداث بوده است.

این مجموعه‌ای که آقای خادمی رقم زدند، نقل‌ها و آدرس‌ها، بسیار مجموعه مهم و قابل توجهی است. زمینه‌هایی که اجمالاً عرض کردم در میراثی که آقای خادمی در اختیار دارند، تفکیک کنند. به درآمد قابل توجهی برای ورود به فقه امام رضا(ع) در آن اتفاق بیفتد.

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای خادمی

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ارادت خدمت سروران عزیز داریم. ولادت آقا امام رضا(ع) را تبریک عرض می‌کنم. از فرمایشات جناب آقای مهدوی راد و حجت الاسلام شریعتی تبار و از دیگر اساتید بسیار استفاده کردیم. از الطاف این بزرگواران در رابطه با کتابی که اخیراً به نام فقه و احادیث امام رضا و ابنائه الکرام منتشر شده است، بسیار متشکریم. خیلی مختصر سیر تحول فقهی در اصول شیعه بعد از نبوت را خدمت سروران عزیز تذکراتی را عرضه می‌دارم. وقتی به تاریخ شیعه در زمان ائمه اطهار نگاه کنیم، کمتر در دوران اول از آقا امیرالمؤمنین تا امام سجاد(ع) مسائل فقهی را به صورت ملموس می‌بینیم. در این دوران، اصل تثبیت فقهی شیعه، که همان توحید، ولایت اهل بیت، قضایای عمومی و عامه باشد، مطرح بوده است. اتفاقاً چون جمع، جمع فضلا است. کتابی اخیراً برخورد کردم که برایم خیلی جذاب بود. ۵ جلد یا ۳ جلد کتاب به نام فقه الزهرا (س) بود. نام کتاب خیلی مهم است. برایم خیلی مهم بود که این موارد فقهی که از حضرت زهرا(س) نقل شده است، که کتاب به این نام نامیده شده است، چیست. وقتی مراجعه کردم، دیدم همه چیز، به جز فقه الزهرا(س) وجود دارد. یک جلد تفسیر و تشریح حدیث کساء است که هیچ ربطی به فقه ندارد. نمی‌خواهیم زحمات دیگران را زیر سؤال ببریم، اما فقه جایگاه خودش را دارد. فقه فقط جنبه‌ها و نظریه‌های شخصی نیست. این مدت تا زمان امام سجاد کمتر مسائل فقهی ملموس است. از زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، تبلور این قضیه بر حسب شرایط و مقتضیات زمانی که برای ائمه به وجود آمد و آزادی‌ای که آنها احساس کردند، در دروان انتقال حکومت از بنی امیه به بنی عباس و شرایط اجتماعی که در بین مردم به وجود آمد که اوج تبلور مسائل فقهی در زمان این دو امام است. بعد از آن با تثبیت حکومت بنی عباس و به خصوص از آخر زمان منصور دوران شدت شروع می‌شود. لذا اگر نگاهی به تاریخ فقهی و آمار روایات فقهی بیندازیم، می‌بینیم روایات فقهی ما رو به افول است. آقا امام موسی ابن جعفر(ع) در کتاب فقه الامام موسی ابن جعفر(ع)، حدود ۲۰۰ روایت را در همه اقوال جمع کردیم. از امامی که چندین سال در حبس هارون

الرشید بودند آن هم در زمان شدت و تقیه بودند. بعد در دوران امام رضا با توجه به شرایط اجتماعی، جنگ بین امیر و مأمون، حرکت امام از مدینه به مرو و این مشکلاتی که برای مردم ایجاد کرده بودند، چه از نظر عقیدتی و ورود به فرهنگ‌های اجنبی در بین مردم، مشغول داشتن مردم به این مسائل فرهنگی خارجی، تقریباً نصف روایات از امام باقی مانده است. حدود ۱۰۰۰-۸۰۰-۹۰۰ روایت فقهی از امام رضا(ع) داریم و به همین منوال دوران شدت عثرت و تقیه زیاد می‌شود. از آقا امام جواد(ع) و امام هادی(ع)، امام عسکری(ع) کمتر روایات داریم. و مرحوم محقق بهرامی در کتاب ارزشمند حقائق الشیعه به همین مسئله اشاره می‌فرمایند که دوران امام موسی ابن جعفر(ع) و امام رضا(ع) از شدیدترین دوران‌ها و سخت‌ترین دوران‌ها بر ائمه بوده است. و اکثر روایاتی که از این دو امام و ائمه بعد از آن‌ها صادر شده، چه بسا طبیعی است.

چه بسا روایتی که اولش تقیه نیست و آخرش تقیه است و بالعکس. این مسئولیت فقیه را بنا به تبیین احکام و استخراج احکام از روایات اهل‌بیت را زیاد می‌کند. باتوجه به شرایط و مقتضیاتی که آن‌ها در پیش رو داشتند. خدا همه ما را مورد رحمت قرار بدهد که عمران را در راه احیای این روایات قرار دادیم. ان شاءالله خادم اهل‌بیت باشیم.

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای شریعتی تبار

فقط این نکته را بگویم در احادیث فقهی امام رضا(ع) که مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم مسئله فلسفه احکام، آن که مرحوم صدوق در علل الشرایع فرمودند، در احادیث امام رضا(ع)، این مقوله نسبت به سایر ائمه بیشتر پرداخته شده است که بعنوان مثال چرا خطبه در نماز جمعه قرار داده شده است. دوخطبه قرار داده شده که مسائل سیاسی و فرهنگی را بیان می‌کنند. فرض اینکه با همه تأکید بر اینکه مسائل فقهی را نباید به قیاس باطن در نظر گرفت. این مسئله خیلی مهمی است، ضمن اینکه ما معتقدیم احکام الهیه و فقهی مطابق با

مصالح قانون گذاری شده و بعضاً این مصالح را ائمه بیان کردند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان دارند، در مجموعه دعوت‌های قرآن، یک مورد نداریم که قرآن مردم را به چیزی دعوت کرده باشد، چه در حوزه معارف، مسائل فکری و عقیدتی و اندیشه‌ای و چه در حوزه مسائل فقهی، مسائل فکری جای تعقل و استنباط و بحث و گفتگو است. این جا جای تقلید است، اما در هر دو حوزه موردی نداریم که قرآن مردم را دعوت به چیزی بدون دلیل کرده باشد.

این‌ها بحث‌هایی است که چه این میز گرد و چه دو میزگرد فاخر قبلی، یکسری اصول کلی را بیان کردند که باید با نوشتار و مکتوب و مقالات خود عزیزان این فرصت‌های دیگری که بشود، حق این مطالب ادا شود. سرفصل‌هایی مشخص شد. امیدواریم این‌ها مشمول دعای مستجاب امام شود.

در باب اختلاف احادیث یکی دو روایت خدمتتان عرض می‌کنم. با توجه به فرمایشات آقای دکتر، این عامه یعنی تفکر و اندیشه هیئت حاکمه عامه، چون آن است که ممکن است بر وجه تقیه صورت گرفته باشد. دو خبر مخالف از شما رسید چه بکنیم؟ فرمود: آن روایتی که مخالف عامه است بگیری و آن روایتی که موافق اخبار آن‌ها است «فدعوه» آنچه که از ما آمد در کتاب خدا عرضه کن احادیث عرضه بر کتاب چه در بحث تعارض و اختلاف و چه در غیر آن حتی که معیار قرآن است. احادیث قطعی و بدون شک و تردید و احادیثی که مطمئن هستید از ما رسیده و محکم است (همانطور که در قرآن محکم و متشابه داریم. در احادیث و روایات هم داریم) شاید آن جا که فرمودند: احادیث ما را به کتاب خدا قیاس و عرضه کن و احادیث وثوق صدور، محکم، اگر شبیه قرآن و احادیث محکم بود، از ماست.

حضرت آیت الله ری شهری

بسم الله الرحمن الرحيم. ولادت قائم آل محمد را تبریک عرض می‌کنم. سخن درمورد امروز و حضرت رضاع) فراوان است. اما تصور می‌کنم مطلبی که خیلی برای جامعه امروز ما، جامعه بشر نه تنها مسلمانان جهان و به ویژه برای حوزه‌های علمیه قابل توجه است، تلاشی که این بزرگوار در این زمینه داشته خیلی مهم است. و شاید راز اینکه امام صادق قبل از تولدش ایشان را به عنوان قائم خاندان رسالت لقب داده این باشد که تبلور علمی بین المللی اهل بیت در زمان این بزرگوار بوده است و این حرکت یک حرکتی است که منتهی می‌شود به زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام به رهبری خاندان رسالت. یکی از سخنان این بزرگوار که با سند معتبر شیخ صدوق در معانی نقل کرده است که یکی از سخنان مهم آن حضرت در رابطه با جا انداختن مرجعیت علمی خاندان رسالت است. حالا نکته که به ذهن می‌رسد اینکه چرا حضرت می‌فرماید اگر مردم زیبایی‌های سخن ما را بشنوند، بفهمند، جذب مکتب ما می‌شود. چرا نفرموده قرآن؟ این یک سوال است که باید پاسخ داده شود. چرا مردم را به قرآن دعوت نکرده، مردم را به سخنان اهل بیت دعوت کرده. این سوال مهمی است. جوابها می‌شود به این سوال داد. علاوه بر اینکه طبق حدیث معتبر نقلین اهل بیت از قرآن جدا نیست. مساله این است که تبیین قرآن از طریق اهل بیت، این در واقع قرآن است. قرآنی که اهل بیت تفسیر و تبیین نکرده باشند و مورد بیان اهل بیت قرار نگرفته باشد، این قرآن، آن قرآنی نیست که بتواند جامعه را نجات بدهد. این قرآن، قرآن صامت است. اهل بیت هرچه می‌گویند از قرآن می‌گویند. این جمله‌ای که مرحوم کلینی در کافی نقل می‌کند امام باقر می‌فرماید: هرچه دارم از قرآن است یکی از اقوام آن حضرت چند مساله را سوال می‌کند حضرت می‌فرماید که ریشه قرآن چیست؟ فرمایش دیگری از آن حضرت: حرفهای ما حرفهای قرآن است. محاسن کلام اهل بیت یعنی محاسن قرآن، ولی موردی که هست در صورتی محاسن آن قرآن فهمیده می‌شود که از طریق اهل بیت برویم ما متوجه

می‌شویم. وقتی که عده‌ای از سپاهیان امیرالمؤمنین(ع) آقا را به حکمیت دعوت فرمودند: لاحکم الا الله، پیشنهاد دادند قرآن فرمود: این کتاب ساکت است من باید بگویم این قرآن چه می‌گوید. آن را رها کنید کتاب خدا که صامت است رو کرده به این نمی‌شود رو کرد من که قرآن شناس هستم من باید بگویم که این کتاب چه می‌گوید. مرجعیت علمی یعنی این.

حالا اگر ما با این نگاه به تفسیر قرآن بخواهیم نگاه کنیم به آنچه که اهل بیت از تفسیر قرآن رسیده، آنچه از اهل بیت به ما رسیده از تفسیر و تبیین قرآن به دو دسته تقسیم می‌شود. که یک دسته روایاتی است که با اشاره به آیات خاص از قرآن می‌توان آن را تفسیر کرد. دسته دوم روایاتی است که اشاره به آیه خاصی ندارد ولی تفسیر قرآن است. اگر چیزی از امام بررسی می‌گوید که اینجا این حرف من از کجای قرآن و از کدام آیه قابل استحضار است. دسته اول باز هم تقسیم‌های مختلفی دارد، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر لفظی، تفسیر مفهومی و تفسیر مصداقی، تفسیر عقلی، تفسیر علمی، تفسیر شهودی، تفسیر تاریخی، تفسیر متشابهات و موارد مختلف است که جامع ترین نوع تفسیر، تفسیری است که بر اساس شیوه اهل بیت نه اینکه ما یک آیه را بیاوریم ذیل آن هم یک سخنی که مرتبط با آن آیه است را بیاوریم. حالا این تفسیری که امروز قرار است رونمایی شود، یک گامی است در این مسیر و حرکتی است در این مسیر، پرتوی از تفسیر اهل بیت، ما سعی کردیم با همکاری دستان، این آغاز یک حرکت در جهت مرجعیت علمی اهل بیت در تفسیر قرآن است.

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مسعودی

عضو هیات علمی و قائم مقام ریاست دانشگاه قرآن و حدیث و دانشیار گروه تفسیر

بسم الله الرحمن الرحيم. صحبت‌م را در پاسخ به سه پرسش عرض می‌کنم. چه چیزی تولید کردیم؟ چرا تولید کردیم و چگونه تولید کردیم؟ پیش از جواب به پرسش‌ها از تمام دست‌اندرکاران تولید این مجموعه جناب آقای موسوی، جناب آقای طباطبایی، بویژه جناب آقای راد که در زمان تولید و تألیف کتاب معاونت پژوهش‌کده تفسیر را داشتند و بعد از آن هم در نشر این مجموعه ما را یاری دادند تشکر می‌کنم. هم‌چنین از تولیت آستان مقدس امام رضا(ع) جناب آقای دکتر مرویان رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی تشکر می‌کنم.

چه چیز تولید کردیم؟ شاید پرسش منطقی باشد که ما تفسیرهای روایی متعددی داریم، چرا باید دوباره یک تفسیر روایی را انجام دهیم؟ قدری از آن را حاج آقا توضیح دادند، تفاسیر روایی موجود در بهترین نوع خودش برقراری ارتباط بین احادیث صریح ناظر به آیه و آیهٔ مربوطه است. اما در بخش آیات غیرصریح چنین کاری از دست پیشینیان به طور عام بر نمی‌آمده است. زیرا ابزار ما، رایانه و کلید واژه‌ها را در اختیار نداشتند. نه اینکه کم کار بودند یا اجتهاد به آن نداشتند. علاوه بر این در دیدگاه تفسیر روایی رایج، تفسیر روایی یعنی روایاتی را در ذیل آیات گنجاندن، بحث لغوی، بحث السیاق، بحث اسباب نزول، بحث از اسباب ورود آن احادیث ناظر به آن، ارتباط برقرار کردن با نیازهای روز، پرسش‌های زمانه، به تعبیر اصلی کردن تفسیر در میان نیست یا کمرنگ نیست. پس وقتی که می‌خواستیم تفسیر را تولید کنیم، تفسیری که همهٔ روایات را ذیل آیات چه صریح و چه غیرصریح بیاوریم و از همهٔ منابع در دسترس، از ادب گرفته تا تاریخ و مباحث دانشگاهی مؤثر کمک بگیرد. تا آن جایی که امکان و بضاعت علمی مان اجازه بدهد. هم‌چنین در این تفسیر توانسته ایم از روش کار گروهی، تحقیق جمعی استفاده کنیم. کاری که بسیاری از گذشتگان امکان آن را نداشتند. وقتی قرار است تمام آیات مرتبط با یک آیه را ببینیم، که نتیجه این شده است که ۶۰۰ آیه فقط در سورهٔ حمد دیده شده و لیست و متن در جلد ۲، جلد اول تفسیر قابل مشاهده است. نکته‌ای هم عرض کنم و آن این است که ما کمتر، نمی‌گوییم نداشتیم، کمتر کسی را داشته ایم که حافظ قرآن و تقریباً

حافظ اکثریت احادیث باشد و این‌ها را پیوند بدهد. الحمدلله در این جا این را داشتیم. بسیاری از مفسرین ما حافظ قرآن بودند. اما حافظ همه احادیث یا بیشتر احادیث نبوده اند. بالعکس هم هست. امثالی مانند سیوطی و طبری در عالمان اهل سنت داشتیم، اما احادیث اهل شیعه را تسلط نداشتند. الحمدلله مؤلف گران قدر این تفسیر، هم از جوانی قرآن را در حفظ داشته اند، کسانی که در تفسیر هستند می‌دانند چقدر حفظ قرآن برای احضار آیات قرآنی مرتبط و متناسب کارآمد است. هم از سن جوانی به همه احادیث اهل شیعه و سنت تسلط داشتند. چندین و چندین مرتبه مجموعه‌های بزرگی از حدیث را خوانده اند و این فرصت مغتنمی بود که بایستی از آن استفاده می‌کردیم و این تفسیر روایی را بدین شکل سامان می‌دادیم.

فکر می‌کنم به دو پرسش اول و دوم پاسخ دادم. اما پرسش سوم؛ ده گام برای تفسیر روایی که در محیط خودمان به تفسیر اهل بیت نزدیک است سامان دهی کردیم. در این جا کمک‌های آقای دکتر راد را نباید فراموش کنیم. مرحله اول، قطعه بندی متن. مرحله دوم، تعیین مراحل مرحله سوم؛ واژه پژوهی اجتهادی؛ مرحله چهارم؛ بحث ساختار کلمات چه اصطلاحات و خود ساختار به دو قسمت ساختار نحوی و ساختار بلاغی، این‌ها مراحل فهم متن بود. بعد وارد بحث صیام می‌شویم. سیاق متنی، نکته‌ای که در این سیاق موجب تفاوت این تفسیر و دیگر تفاسیر می‌شود، کل قرآن را یک سیاق گرفتیم. به همین دلیل در برخی جاها تفسیر ما به تفسیر موضوعی نزدیک می‌شود. این را از این جهت عرض می‌کنم که ممکن است بعداً در نقدهایی که وارد می‌شود، دوستان به این نکته توجه کنند. وقتی می‌خواهیم غیرالمغضوب علیهم و الضالین را بحث کنیم یک بحث چرایی مطلوب بودن غیر است که آیا می‌تواند صفت باشد یا نه؟ یک بحث این است که این به چه کسانی در قرآن مرتبط می‌شود؟ باید کل قرآن را جستجو کنیم. بر چه کسانی غضب نشده است؟ همان طور که باید کل کسانی که انعمت علیهم صدق می‌کند را بیابیم. کل قرآن را یک سیاق می‌گیریم. در تک تک واژه‌ها و مفاهیم اصلی آیه‌ها این کار را انجام می‌دهیم. پس نمی‌شود نظام ضلالت و

هدایت قرآن را تشخیص نداد و اهدنا الصراط المستقیم و صراط الذین انعمت علیهم و غیرالمغضوب علیهم را درست تبیین کرد. به همین جهت در اینجا نیازمند این هستیم که تفسیر موضوعی را وارد شویم. در سیاق شناسی بافت‌های مختلفی حتی سیاق احادیث، سیاق کاربردی، اسباب نزول، بحث تاریخ را اشاره کردیم و روایات تفسیری را در آخر این مراحل می‌بینیم. برخلاف اینکه شاید تصور کنیم روایات تفسیری اول است، چون روایات تفسیری می‌تواند کاستی‌ها ما را در مراحل قبل پوشش دهد. خیلی روایات تفسیری آیات دیگر را به ما راهنمایی می‌کنند. خیلی روایات تفسیری معنای لغت را دوباره برایمان تصریح می‌کنند.

کل کار آن جا است که می‌خواهیم از آیات پیام‌گیری کنیم. اگر قرآن چون جریان خورشید و ماه جاری است، امروز برای ما چه پیامی دارد؟ که در این قسمت هم وارد پیام‌ها و آموزه‌های امروزی قرآن می‌شویم. حدیث تفسیری را از امام رضا، ذیل آیه ۸۵ سوره حجر خدمت تان تقدیم می‌کنم.